

# استعداد و آموزش و پرورش

معصومه نعمتی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره

## چکیده

مقاله حاضر درباره استعداد و انواع آن و ضرورت توجه به آن در سیستم آموزش و پرورش به بحث می‌پردازد؛ همچنین این مفهوم را تعریف و اهداف آموزش و پرورش را تشریح می‌کند و برای ایجاد انعطاف در سیستم آموزش و پرورش پیشنهادهایی می‌دهد. به علاوه، رشد شناختی کودک را مورد توجه قرار داده اهمیت استعداد را در پیشرفت تحصیلی آشکار می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** استعداد، آموزش و پرورش، پیشرفت تحصیلی، سنجش استعداد

در وجود هر انسان توانایی‌هایی نهفته است که روان‌شناسان از آن به نام استعداد یاد می‌کنند و به کشف آن می‌پردازند. حکمت خداوند بر این قرار گرفته که انسان‌ها متفاوت آفریده شوند. او برای هر انسانی استعداد متفاوتی می‌آفریند و همین امر باعث حرکت و رشد و تکامل و توسعه زندگی انسان‌ها می‌شود. استعداد میزان نسبی پیشرفت فرد در یک فعالیت است. اگر برای کسب مهارت در یک فعالیت افراد مختلف شرایط و موقعیت یکسانی قرار گیرند، متوجه خواهیم شد که افراد مختلف تفاوت‌هایی از لحاظ میزان کسب آن مهارت نشان می‌دهند. برخی افراد در زمینه یادگیری کارایی بیشتری از خود نشان می‌دهند و پیشرفت زیادی دارند. در واقع، چنین تفاوتی به تفاوت آن‌ها در استعدادهایشان مربوط می‌شود. استعداد توانایی ویژه فطری است که فرد با استفاده از آن می‌تواند در برخی مهارت‌ها به مرتبه‌ای بالاتر از متوسط افراد جامعه دست یابد (فن کرافت، ۱۳۸۶). پیازه استعداد را این‌گونه تعریف می‌کند: «آنچه دو فرد را که دارای بهره هوشی مساوی هستند متمایز می‌سازد، استعداد می‌نامند. آدمشیل در اثری با عنوان «جنگ استعدادها»، استعداد را مجموعه‌ای از توانایی‌های یک شخص تعریف کرده است. براساس این تعریف، استعداد شامل مفاهیم ذوق ذاتی، مهارت‌ها، دانش، هوش، قابلیت، غریزه و توانایی یادگیری است. با توجه به تفاوت افراد در داشتن استعدادها، گوناگون، لازم است که این تنوع در بشر و اهمیت آن برای رشد و پیشرفت جامعه مورد توجه قرار گیرد. همچنین، امید است که با توجه به اهمیت آن در انتخاب رشته تحصیلی، شغل و فعالیت‌های متنوع در سیستم آموزش کشور به استعدادها گوناگون توجه گردد تا بتوانیم از این سرمایه گرانبهای بشری استفاده لازم را برای بهبود وضعیت اجتماعی به‌عمل آوریم. (فن کرافت، ۱۳۸۶)

### ■ ضرورت توجه به استعداد در افراد

از آنجا که پرورش استعدادها، کودک تأثیر ویژه‌ای بر تربیت صحیح او دارد، شناخت این استعداد و جهت‌دهی به آن امری ضروری خواهد بود. در دهه‌های اخیر، تحقیقات و کشف‌های زیادی در زمینه روان‌شناسی افتراقی انجام شده است که همگی مؤید این نکته‌اند که ارزش شناسایی استعدادها، فردی کمتر از ارزش شناخت خود انسان نیست و اهمیت این نکته هر روز روشن‌تر می‌شود (فن کرافت، ۱۳۸۶). جامعه باید توانایی‌ها و استعدادها، بالقوه کودکان را شناسایی کند و شرایطی را به وجود آورد که تحت راهنمایی، هدایت و ارشاد معلمان و مسئولان مربوط، تا جایی که ممکن است، استعدادها و ظرفیت و توانایی‌های همه کودکان در کمترین مدت و بیشترین مقدار، که مناسب حال فرد کودک باشد، پرورش داده شود (استابرد، ۱۳۹۰). در واقع، توانایی‌ها و استعدادها، ویژه همواره خودبه‌خود و به تنهایی (بدون انگیزه مناسب) شکوفا نمی‌شوند و

تعلیم و تربیت جدید باید عمیقاً فطری و انسانی باشد و به هر کودکی امکان دهد استعدادهای خود را در محیطی که بدان تعلق دارد، رشد دهد

لازم است استعدادها در افراد شناخته و هدایت گردند (استابرد، ۱۳۹۰). موضوع این نیست که فرد قدرت مطلق خود را تابع و مطیع قدرت بالاتر کند بلکه باید در سازمان جامعه و دگرگونی آن فعالانه شرکت جوید. کاملاً مسلم است که تعلیم و تربیت جدید باید در این تحول و دگرگونی، ضمن فراهم آوردن حداکثر امکان رشد استعدادها، فردی، در دستیابی فرد به کسب معلومات اجتماعی مختلف نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. تعلیم و تربیت جدید باید عمیقاً فطری و انسانی باشد و به هر کودکی امکان دهد استعدادها، خود را در محیطی که بدان تعلق دارد، رشد دهد. حتی ضرورت توجه به استعدادها در سازمان‌ها و محیط‌های شغلی اثبات شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ۱۹ شرکت برتر از ۲۰ شرکت برتر - یعنی ۹۵ درصد موارد - رهبران مسئول توسعه استعدادها هستند و سیستم مدیریت استعدادها (TMS) با ارائه برنامه‌های ساده و کاربردی در حوزه نیازسنجی و به‌کارگیری، بهسازی، انگیزش و نگهداری منابع انسانی با تکیه بر اصول مدیریت دانش (Kn) در این راستا به سازمان‌ها کمک می‌کند. توجه به استعدادها باعث جلوگیری از اتلاف انرژی در افراد می‌شود و برای فرد افراد محیط و کار شادی را رقم می‌زند (۳). حتی کودکانی وجود دارند که در یک زمینه پیشرفته و در جهت دیگری عقب مانده‌اند. این‌گونه کودکان پدر و مادر و گاه معلمان را در راهنمایی تحصیلی گمراه می‌کنند. نظیر این دانش‌آموزان بچه‌هایی هستند که در حفظ اشعار، محاسبات ریاضی و مشابه آن از خود نبوغ نشان می‌دهند و در زمینه‌های دیگر از افراد عادی هم عقب مانده‌ترند. این‌گونه بچه‌ها که آن‌ها را «کودن دانشمند» نام‌گذاری کرده‌اند، نه تنها نابغه نیستند بلکه از نظر هوش کلی عقب‌مانده نیز هستند. والدین و مربیان تربیتی بایستی به این مسئله توجه کنند که این کودکان در یک زمینه پیشرفته‌اند و در امور تحصیلی و در اشتغال آن‌ها باید از این استعداد خاص استفاده شود (بیرجندی، ۱۳۸۰). متأسفانه هنوز درگیر این اشتباه سنتی هستیم و بر این باوریم که استعدادها راهشان را پیدا می‌کنند و خود را نشان می‌دهند و اندکی دقت نظر برای شناسایی و کشف استعداد کافی است؛

**امروزه متخصصان تعلیم و تربیت برای اندازه‌گیری توانایی‌های تحصیلی و غیر تحصیلی توجهی مشابه را توصیه می‌کنند. در حالی که به‌طور سنتی، هوش‌بهر با مفهوم محدودی که با آزمون‌های هوش اندازه‌گیری می‌شد، به‌دست می‌آمد**

در حالی که پژوهش‌های جدید در مورد استعداد به نتایجی غیر از این رسیده‌اند. خانم دکتر «هیدرون استوگر»، روان‌شناس، به این نتیجه رسیده است که دقت روش‌های ارزیابی استعداد، که تاکنون مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، بسیار کم است. برای مثال، والدین و معلمان حتی اگر بخواهند استعدادهای ممتاز و سطح بالا را در کودکان شناسایی کنند، حداکثر موفق به یافتن ۲۰ تا ۳۰ درصد موارد می‌شوند. با توجه به این نکته، تفکرات جدید و تغییر دیدگاه‌ها در این زمینه واجب و لازم است (فن کرافت، ۱۳۸۶).

### ■ انواع استعدادها و سنجش آن‌ها

در قرن ۱۸ دانشمندان تلاش کردند تا با استفاده از روش فرنولوژی (Phrenology) و از طریق بررسی جمجمه افراد به رازها و رموز استعداد دست یابند. آن‌ها گمان می‌کردند که با بررسی برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های جمجمه و تفاوت شکل آن‌ها می‌توانند خصوصیات فردی، علائم شخصیتی و توانمندی‌های اشخاص را شناسایی کنند. این روش قصد داشت از طریق اندازه‌گیری جمجمه استعداد افراد را شناسایی کند؛ به همین علت، بی‌مناسبت نیست اگر آن را روش «روان‌متری» بنامیم. هر چند که در تحقیقات جدید جایگاهی ندارد (فن کرافت، ۱۳۸۶). اولین قدم‌های ثبت شده در راه سنجش هوش و سایر خصوصیات فردی را فرانسویس گالتون (۱۹۱۱-۱۸۲۲) برداشته است. او حواس افراد را معیاری برای هوش قرار داده و به اندازه‌گیری آن پرداخته است. در سال ۱۹۰۵ دانشمند فرانسوی به نام بینه و همکارش تئودورسیمون آزمون‌های موفق‌تری ابداع کردند و از طریق این آزمون‌ها آشنایی دانش‌آموز با کلمات، مهارت‌های گفتاری و توانایی ارتباط منطقی بین مفاهیم را بررسی نمودند (کرمی، ۱۳۸۲). با گذر زمان، تفاوت بین هوش و استعداد بیشتر شد و الگوهای کامل‌تری برای سنجش انواع استعداد و توانایی افراد ایجاد گردید (کرمی، ۱۳۸۲). استفاده از آزمون‌های استاندارد روش خوبی برای شناسایی استعدادهاست. اما تنها روش موجود محسوب نمی‌شود؛ به‌خصوص برای گروه‌های محروم، که برای سنجش آن‌ها باید از مجموعه روش‌های ارزیابی و سایر شیوه‌ها نیز استفاده کرد (ولادت، ۱۳۸۹).

امروزه متخصصان تعلیم و تربیت برای اندازه‌گیری توانایی‌های تحصیلی و غیر تحصیلی توجهی مشابه را توصیه می‌کنند. در حالی که به‌طور سنتی، هوش‌بهر با مفهوم محدودی که با آزمون‌های هوش اندازه‌گیری می‌شد، به‌دست می‌آمد (ولادتی، ۱۳۸۹). به نقل از گاردنر، ۱۹۸۳؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵). اکنون بسیاری از پژوهشگران با استفاده از واژه استعداد به جای هوش، آن را شناختی از پیشرفت‌های بعد و توانایی بالقوه‌ای می‌دانند که باید در زمان مناسب و به گونه‌ای صحیح پرورش یابد (ولادتی، ۱۳۸۹). به نقل از شهرآرای و همکاران (۱۳۸۱). استعدادها ۱۰ گانه شامل استعداد

تعامل به مفهوم مهارت لازم برای حضور در جامعه، ۲. سازگاری به عنوان بخش ویژه‌ای از تعامل، ۳. انگیزه تلاش، ۴. تجسم فضایی، ۵. تفکر منطقی، ۶. مهارت‌های گفتاری، ۷. مهارت‌های ورزشی، ۸. مهارت‌های حرکتی، ۹. درک موسیقی و ۱۰. خلاقیت را شامل می‌شود که با مشاهده دقیق رفتار در کودک قابل تشخیص‌اند. لازم است مشاهده‌کننده در تمام انواع استعدادها، اطلاعاتی داشته باشد. تجربه نشان داده است که والدین و مربیان به کشف استعدادهایی که خود در مورد آن‌ها اطلاعاتی ندارند، موفق نمی‌شوند (فن کرافت، ۱۳۸۶). بسیاری از مردم هنوز تفاوت بین تحلیل استعداد و آزمون هوش را نمی‌دانند و نتیجه یک آزمون هوش می‌تواند فقط بخشی از یک تحلیل فراگیر استعداد باشد. همچنین، تفاوت بین استعداد و نبوغ برای بسیاری از مردم روشن نیست. به‌طور کلی، ۲ درصد از افراد برتر یک گروه با استعداد را دارای استعدادهای ممتاز و نابغه می‌نامند. این تمایز و تفاوت از نظر روان‌شناسی شخصیت جدید هنوز جای بحث دارد؛ زیرا استعداد را در افراد تنها از نظر کمی می‌توان مقایسه کرد نه از نظر کیفی، بنابراین، افراد دارای استعدادهای ممتاز و نوابغ هم توانمندی غیر از سایر انسان‌ها ندارند بلکه فقط سریع‌تر و دقیق‌تر از دیگران عمل می‌کنند (فن کرافت، ۱۳۸۶).

### ■ آموزش و پرورش، وسیله پرورش استعدادها

ژان پیاژه می‌گوید: «هدف اصلی آموزش و پرورش آفرینش است». آفرینش انسان‌هایی توانا به انجام کاری نو، نه صرفاً تکرار آنچه پیشینیان انجام داده‌اند، انسان‌هایی که خلاق، نوآفرین و کاشف‌اند (احمدیه، ۱۳۷۲). هدف دوم، شکل بخشیدن به ذهن‌هایی است که توانایی نقادی دارند، از قدرت ثبات برخوردارند و هر چیزی را که به آن‌ها داده می‌شود، به سادگی نمی‌پذیرند. مصیبت بزرگ در آموزش و پرورش شعار دادن‌ها، کلی‌گویی‌ها و مسیرهای فکری از پیش تعیین شده است. ما ناگزیر از پایداری فردی هستیم. می‌باید انتقاد کنیم و بتوانیم آنچه را به اثبات رسیده است، از آنچه چنین نیست تمیز بدهیم. همین جاست که نیازمند شاگردانی پویا هستیم که به سرعت در نزد خود یاد می‌گیرند که چگونه درک کنند. البته بخشی از ابزار نیل به این ادراک را ما فراهم می‌کنیم و بخش دیگر

دانش آموزان در زمینه‌هایی که استعداد بیشتری دارند، سریع‌تر یاد می‌گیرند و به نتایج بهتری هم می‌رسند و برای پذیرفتن برنامه رشد آمادگی بیشتری از خود نشان می‌دهند

آموزش و پرورش امروز ممکن نخواهد بود. بنابراین، برای هرگونه تصمیم‌گیری در مورد تغییرات در سیستم آموزش و پرورش به جهت رشد بهتر افراد لازم است مطالعه دقیقی درباره این فرآیند داشته باشیم (آقازاده، ۱۳۸۷).

در برنامه سوم توسعه کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف شده است تا با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط طرحی جامع را براساس نیازهای اساسی کشور، با عنوان طرح جامع راهنمایی و هدایت استعدادها تهیه و اجرا کند. این مأموریت تا پایان سال ۱۳۸۴ به عهده سازمان سنجش و آموزش تحصیلی بوده است. هدایت استعدادها به سمت اولویت‌های نیاز کشور تا پایان برنامه پنجم توسعه ادامه داشته است. مقدمات انجام پژوهش‌های مختلف توسط چند دانشگاه در ایران در موضوع وضعیت تحصیلی در کشورهای مختلف فراهم شده و قرار است براساس نتایج مطالعات مربوط به طرح یاد شده، دانش آموزان و دانشجویان دوره راهنمایی، متوسطه و عالی از خدمات راهنمایی استفاده کنند و در شیوه پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها تجدیدنظر شود. مستعدترین دانش آموزان و دانشجویان نیز پس از تحصیل به بازار کار راه یابند (صافی، ۱۳۸۳).

امید است که تغییرات موردنظر و انعطاف‌های لازم هرچه سریع‌تر در سیستم آموزش و پرورش کشور اعمال شود. مدارس با گروه‌های آموزشی ویژه، مثل گروه تئاتر، مبانسی ریاضیات، خلاقیت و تفکر خلاق، می‌تواند استعدادها را به‌طور هدفمندتر و مؤثرتر شناسایی کند و در جهت کشف و پرورش استعدادها در دانش آموزان گام بردارد (صافی، ۱۳۸۳).

#### اهمیت استعداد در پیشرفت تحصیلی

دانش آموزان در زمینه‌هایی که استعداد بیشتری دارند، سریع‌تر یاد می‌گیرند و به نتایج بهتری هم می‌رسند و برای پذیرفتن برنامه رشد آمادگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. پاسخ‌گویی به استعدادهای فردی کلیه دانش آموزان، به روش‌های متنوع و با کیفیت بالا نیاز دارد (صافی، ۱۳۸۳).

افراد از حیث طبیعت و میزان استعداد با یکدیگر متفاوت‌اند. گروه‌بندی استعدادها، هم به تحقق بخشیدن نمونه‌های بسیار پایدار و مستحکم و هم به طرز تفکری معین (برای مثال، فکر و استعداد ریاضی، ادبی، فلسفی و...) مربوط می‌شود (هاجری، ۱۳۷۲).

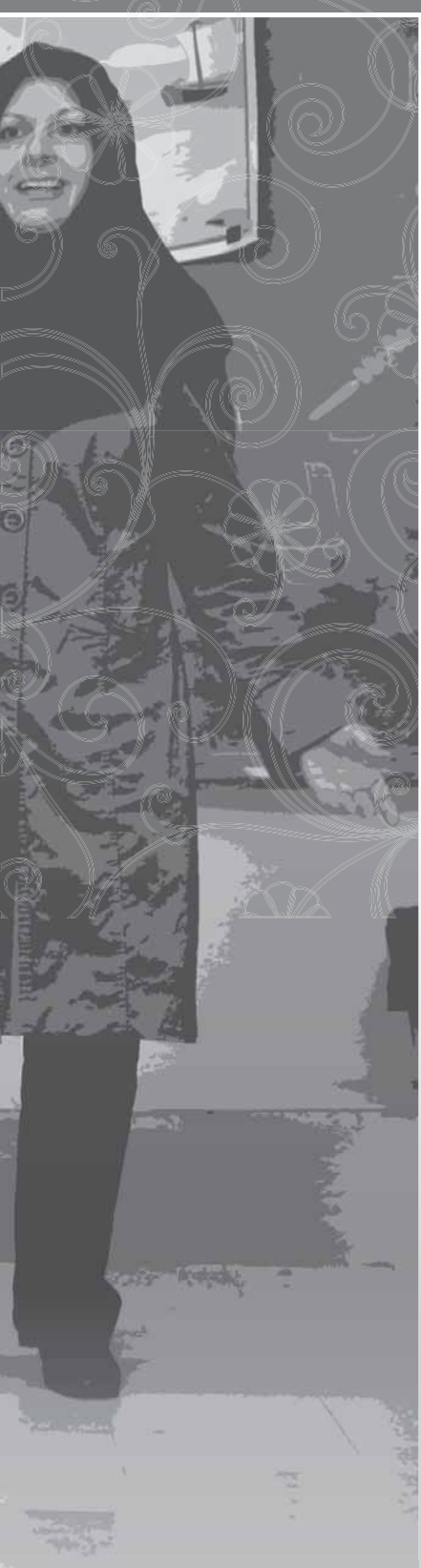
در مدارس به‌ندرت از آزمون‌های جامع و تخصصی شناسایی استعداد استفاده می‌شود و در صورت لزوم تنها به یک آزمون استعداد تحصیلی بسنده می‌شود. بسیاری از والدین انجام یک آزمون جامع شناخت استعداد را برای کودکان خود خارج از سیستم آموزشی ضروری می‌دانند؛ زیرا والدین بر این باورند که سیستم آموزشی به استعدادهای دانش آموزان توجهی ندارد و برای پیشرفت استعدادهای فردی برنامه‌ریزی نمی‌کند. روش فعلی پرورش استعدادها در مدارس، تشکیل کلاس‌هایی است که

آن به صورت خود جوش از نهاد خود آن‌ها برمی‌خیزد (احمدیه، ۱۳۷۲). در زمان ما دو گرایش متفاوت در مطالعات و پژوهش‌ها و تجربه‌ها در آموزش و پرورش می‌توان دید. هدف از گرایش نخست، دستیابی به نتایج و بهره‌وری بهتر و قابل سنجش در کار آموزش و پرورش از راه علمی کردن هرچه بیشتر مبانی است. این گرایش سعی می‌کند به تجزیه و تحلیل عوامل جسمی، روانی، عاطفی، رشد، انگیزه‌ها و عکس‌العمل‌ها از یک سو، و آموختنی‌ها از سویی دیگر بپردازد. هدف از گرایش دوم، دستیابی به شناختی کلی است از انسان در حال رشد و آنچه در درون، او را به تلاش و حرکت وامی‌دارد (ملینسکی، ۱۳۷۶).

استعداد را نباید به عنوان یک اصل ثابت ارزیابی کرد بلکه فرایندی از تکامل توانایی مادرزادی و تأثیرات خارجی و محیطی است (فن کرافت، ۱۳۸۶). مدرسه به عنوان یک مکان تربیتی مهم سهم بزرگی در شکوفایی یا سرکوب این استعدادها در افراد دارد. کوشش‌های تربیتی مدارس اگر محرک ذوق و شوق کودکان باشند، سود بخش‌ترند و زودتر به نتیجه می‌رسند. کار روزانه در صورتی محرک ذوق خواهد بود که با علائق و توانایی‌های انسان هماهنگ باشد؛ بنابراین، در تهیه برنامه‌های آموزشی به رغبت‌ها و استعدادها باید توجه داشت. استعدادها متنوع‌اند و هر کودکی ویژگی‌هایی دارد که کم و بیش مختص خود اوست. این امر، تهیه برنامه درسی را که برای همه دانش آموزان مناسب است مشکل می‌سازد اما انعطاف در برنامه درسی به این هدف کمک می‌کند. آزادی عمل و اختیار معلم و متعلم برای انتخاب درس از تدابیر مؤثر برای هماهنگ ساختن برنامه‌های تحصیلی و علائق و استعدادهاست (معیری، ۱۳۶۴).

براساس نظریه رشد شناختی، مفاهیم انتزاعی در مرحله معینی از رشد شناختی، یعنی در مرحله عملیات تفکر صوری، شکوفا می‌شود. در واقع، در این نظریه دو موضوع را می‌توان استنباط کرد؛ نخست اینکه از گنجاندن چه نوع مفاهیم و مطالب درسی باید اجتناب کرد. دیگر اینکه مناسب‌ترین مرحله رشد روان‌شناسی برای آموختن مفاهیم معین کدام است (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۷۶).

آموزش و پرورش سیر پرچالشی را طی کرده است و بدون آگاهی از رویدادهای آموزش و پرورش دیروز، شناخت ویژگی‌های نظام



**پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگرچه بسیاری از کشورها ضرورت نظام‌های استعدادیابی را دریافته‌اند و از برنامه‌های مشخص و نظام‌دار برای کشف، جذب، و پرورش و رشد افراد مستعد استفاده می‌کنند ولی هنوز یک روش جهان شمول، برای استعدادیابی که در سطح جهان مورد توافق باشد، موجود نیست**

دانش‌آموزان بتوانند مقطع تحصیلی خود را یک سال زودتر از سایر دانش‌آموزان به پایان برسانند و این، فقط برای دانش‌آموزان بسیار مستعد یا برای استعدادهای ویژه مفید است. اشکال دیگر این روش، بی‌توجهی به انواع استعدادهای یک‌یک دانش‌آموزان مثل استعداد موسیقی و گفتاری و... است. در این روش دانش‌آموزان بر مبنای همه استعدادهایی که دارند انتخاب نمی‌شوند بلکه تنها معیار گزینش آن‌ها نمره درسی بالاست. در حالی که این امکان باید در اختیار همه دانش‌آموزان قرار گیرد؛ زیرا همه دانش‌آموزان استعدادهای خاص خود را دارند. برنامه آموزشی جهشی هم روش دیگری است که فقط شامل دانش‌آموزان تیزهوش می‌شود؛ ضمن اینکه اجرای آن مستلزم کنترل و نظارت کمیسیون‌های آموزشی ویژه است و فقط تعداد محدودی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند (صافی، ۱۳۸۳).

اجرای آموزش همگانی در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و تنوع رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها و پایان دوره متوسطه و دوره‌های پیش‌دانشگاهی و آموزش‌های حرفه‌ای در رشته‌های متنوع از یک طرف و تفاوت‌های فردی از نظر هوش و استعداد و علایق از سوی دیگر ایجاب می‌کند که خصوصیات فردی با خصوصیات تحصیلی انطباق یابد. چون راهنمایی تحصیلی مقدمه‌ای برای راهنمایی حرفه‌ای است، برای اشتغال مناسب دوره راهنمایی تحصیلی ضرورت دارد. یکی از عواملی که نقش اصلی را در راهنمایی تحصیلی برعهده دارد، استعداد دانش‌آموز است؛ بنابراین، هم هوش کلی و هم هوش اختصاصی یا استعداد دانش‌آموز باید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، باید تلاش بر این باشد که رغبت‌های دانش‌آموزان با استعدادهای آن‌ها هماهنگ گردد. برای راهنمایی دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی می‌توان منحنی رغبت و منحنی استعداد را رسم کرد. نقطه مناسب در هدف تحصیلی، محل تلاقی دو منحنی یا محلی است که دو منحنی به یکدیگر نزدیک می‌شوند (بیرجندی، ۱۳۸۰).

از نظر گیبسون و میشل مشاوران و مسئولان تربیتی می‌توانند از آزمون‌های استعداد در گروه‌بندی افراد براساس استعدادهای مشابه به جهت کمک به رشد آن‌ها و تحقق هدف‌های آموزشی، شناسایی توانایی‌های بالقوه، ایجاد انگیزه برای شکوفایی توانایی‌های خاص در افراد، پیش‌بینی موفقیت تحصیلی و شغلی مراجعان و تدارک اطلاعاتی که به موفقیت تحصیلی یا شغلی آن‌ها کمک می‌کند، استفاده کنند (صافی، ۱۳۸۳).

#### ■ نتیجه‌گیری

بررسی انواع استعدادها و توجه به انواع مختلف آن‌ها نشان می‌دهد که سیستم تربیتی و آموزشی ما می‌بایست بازنگری شود و تمامی استعدادها را در نظر بگیرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگرچه بسیاری از کشورها ضرورت نظام‌های استعدادیابی را دریافته‌اند و از برنامه‌های مشخص و نظام‌دار برای کشف، جذب، و پرورش و رشد افراد مستعد استفاده می‌کنند ولی هنوز یک روش جهان شمول، برای استعدادیابی که در سطح جهان مورد توافق باشد، موجود نیست. این امر به عوامل زیادی از جمله زیرساخت‌ها و شرایط فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی مربوط است.

مدل شناختی آموزش فرض می‌کند که فراگیرندگان همیشه فعال‌اند، دانش‌آموزان باید مسئولیت بیشتری برای یادگیری به‌عهده بگیرند و آموزش می‌تواند پیرامون حیطه‌های شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی برنامه‌ریزی شود (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲).

عدم توجه به استعدادها در افراد باعث اتلاف هزینه‌ها و شکست آن‌ها در بعضی زمینه‌ها می‌شود. معمولاً معلمان به استعداد ریاضی، علوم و زبان توجه می‌کنند و بقیه استعدادها را نادیده می‌گیرند. به این ترتیب، دانش‌آموزانی که در زمینه‌های دیگری استعداد دارند، از دایره توجه مربیان خارج می‌شوند. این محدودنگری باعث عصیان بسیاری از دانش‌آموزان می‌شود؛ چون آن‌ها در نظام تربیتی خانه و نظام آموزشی مدرسه جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند و به استعدادهایشان بهایی داده نشده است. امید است با توجه به اهمیت تفاوت‌های فردی، مسئله توجه به استعدادهای متنوع در افراد بیش از پیش مورد توجه مربیان و مسئولان امور تربیتی قرار گیرد و سازمان آموزش و پرورش کشور بهای بیشتری برای این گوناگونی بپردازد. در عین حال، هر روز سیستم آموزشی کشور معطوف‌تر گردد تا هرکس با هرگونه استعدادی جایگاهی برای رشد و پیشرفت در آن داشته باشد.



#### منابع

۱. فن کرافت، توماس و زمکه، آدین؛ کشف و پرورش استعدادهای، مترجم: محمدطاهر طاهر، انتشارات نشر پیدایش، ۱۳۸۶.
۲. استابرد، میربام؛ همه کودکان تیزهوش‌اند، اگر...؛ مترجمان: سهراب سوری و امیر صادقی بابلان، انتشارات ذهن آویز، با همکاری نشر دانش ایران، ۱۳۹۰.
۳. حسینی (بیرجندی)، مهدی؛ راهنمایی و مشاوره تحصیلی، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
۴. کرمی، ابوالفضل؛ آشنایی با آزمون‌سازی و آزمون‌های روانی، انتشارات روان‌سنجی، ۱۳۸۲.
۵. معیری، محمدطاهر؛ مسائل آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۶. صافی، احمد؛ راهنمایی تحصیلی در مدارس ایران، انتشارات روان، ۱۳۸۳.
۷. احمدیه (ابتهاج)، ملک‌سیما؛ روان‌شناسی پرورش استعدادهای، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۲.
۸. ملینسکی، سوخو؛ تعلیم و تربیت علمی برای همگان، مترجم: رضی هیرمندی (خدادادی)، نشر آروین، ۱۳۷۶.
۹. بختیار نصرآبادی، حسن علی و نوروزی، رضاعلی؛ راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم، انتشارات سما قلم، ۱۳۸۲.
۱۰. آقازاده، احمد؛ آموزش و پرورش تطبیقی، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۱۱. تقی‌پور ظهیر، علی؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
۱۲. هاجری، ضیاءالدین؛ آنچه یک معلم باید بداند، انتشارات راد، ۱۳۷۲.
۱۳. ولادت، فهیمه و نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ شکاف دانشی نخیه و نابغه در بزرگراه استعداد؛ کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، تبریز، مهندسی و مدیریت نوآوری ایران، ۵ و ۶ آبان، ۱۳۸۹.

14. [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)
15. [www.rasekhnoon.net](http://www.rasekhnoon.net)
16. [www.ataabad.com](http://www.ataabad.com)

معمولاً معلمان به استعداد ریاضی، علوم و زبان توجه می‌کنند و بقیه استعدادها را نادیده می‌گیرند. به این ترتیب، دانش‌آموزانی که در زمینه‌های دیگری استعداد دارند، از دایره توجه مربیان خارج می‌شوند